

معرفی مشاهیر طب سنتی اسلام و ایران

بدیغورس

ابوالقاسم سلطانی*

گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران

۱. مقدمه - واژگان

بدیغورس در لاتین با اسامی چون BAEDIGORIUS، EDIGORUS، BALDIGORUS، و در آثار پزشکان قرون اولیه هجری به نام‌های بادیغوروس (حنین)، بدیغورس (رازی) و در آثار بعضی مستشرقین فیثاغورس دروغین آمده است. در ۲۳ جلد کتاب الحاوی در ۱۰۴ موضع از بدیغورس نقل قول شده است. محتوای این نقل قول‌ها برخلاف برداشت آقای سزگین همه درباره‌ی ادویه‌ی مفرده است نه ابدال الادویه، به عبارت دیگر رازی در الحاوی درباره‌ی ابدال الادویه از بدیغورس مطلبی بیان نکرده است ولی در کتاب ابدال... و ابن بیطار در الجامع المفردات... از بدیغورس درباره‌ی ابدال الادویه نقل قول نموده‌اند، بنابراین بدیغورس علاوه بر رساله‌ی درباره‌ی ابدال کتابی درباره‌ی ادویه‌ی مفرده نگاشته که احتمالاً مفقود شده است و یا جزء آثار دست‌نویسی است که در خارج از کشور وجود دارد و مؤلف آن ناشناخته ذکر شده است. تشخیص این اثر از ویژگی‌های آن امکان‌پذیر است.

۲. دلایلی بر ایرانی بودن بدیغورس

وجود عناصر فارسی در آثار بدیغورس، ذکر نام محلّی گیاهانی که بومی ایران بوده و یونانی‌ها و رومی‌ها آن‌ها را نمی‌شناخته‌اند مانند:

۱-۳. گاوزوان: ترکیبی است از دو واژه‌ی فارسی گاو (GAW به اوستا و پهلوی=گاو) و زوان (UZWAN به اوستایی و ZUWAN به پهلوی=زبان) (۸،۷). گیاه گاوزبان (*Echium amoenum* FISH & MEY) بومی ایران است و در طبّ عوام گل آن بانام گل گاوزبان معرفی می‌شود. بدیغورس گوید گاوزوان برای قلب و رفع غم و اندوه خوب است و گمان می‌رود چنانچه لسان‌الثور را با شراب بنوشند باعث نشاط می‌شود (حاوی ج. ۷ ص: ۳۷) (۳). وی اولین فردی است که از این گیاه نام برده و خواص آنرا ذکر نموده است.

۲-۳. انداهیمان: انداهیمان، انداسیمان، دواي کرمانی، به واسطه‌ی خاصیت ویژه‌ای که دارد در شکم‌روش سودمند است (رازی به نقل از بدیغورس ۴۴/۲۰) (۳).

۳-۳. کروان: کروان، (*Ceruna partensis* FORSK) فرانسوی "CERUAE"، انگلیسی "CERUAN"، مآخوذ از کروان فارسی (دایره‌المعارف طبّ سنتی اثر مولف کد ۱۳۹۱) بدیغورس، هی‌حشیشه مفرحه (۱۵۶/۲۲) (۶-۵،۳).

۴-۳. بدسکان، بدیغورس: رقیق‌کننده و تلطیف‌کننده است (۱۳۲/۲۰) (۳). ابن سربابون گوید که آنرا از آذربایجان می‌آورند (ج ۱ ص ۸۵) (۶).

۵-۳. آزاد درخت: آزاد درخت، بدیغورس گوید در سختی دفع ادرار موثر است (۱۷۰/۱۰) (۳).

می شناخته‌اند، نمی شناخته است. لذا احتمالاً در اواسط قرن هفتم میلادی می زیسته است.

۴. تالیف‌ها و نوآوری‌های بدیغورس

الف: کتابی درباره‌ی ادویه‌ی مفرده

بررسی ۱۰۴ نقل قول رازی در الحاوی از بدیغورس مبین آن است که بدیغورس کتابی در زمینه‌ی ادویه‌ی مفرده تالیف نموده که متأسفانه یا مفقود شده است و یا در خارج از کشور باعنوان نویسنده‌ی ناشناس باید وجود داشته باشد. باتوجه به این که معمولاً رازی نوآوری‌های هر فردی را در الحاوی آورده است باید گفت که تقریباً ۷۰ درصد آنچه رازی به نقل از وی ذکر نموده است، نوآوری می‌باشد و در حقیقت اصل کتاب دربردارنده‌ی مطالبی از گفتار دانشمندان ایران باستان، یونانی‌ها، رومی‌ها، هندی‌ها و نوآوری‌های وی بوده است. به‌عنوان مثال درباره‌ی فاوانیا از نظر خواص درمانی چون نوآوری نداشته در الحاوی ذکر نکرده ولی در کتاب الابدال، بدل آنرا به‌نقل از بدیغورس آورده است.

نقل قول‌های رازی درباره‌ی ادویه‌ی مفرده از بدیغورس به شرح زیر است:

آذریون: برای خنثی کردن اثر سم‌ها و گزش خزندگان و برای سقط‌جنین سودمند است. حاوی ج ۱۴۸/۹، ۱۲۴/۱۹، ۱۲/۲۰.

آزادریخت (آزاد درخت): از ویژگی‌های آن موثر بودن در سختی دفع ادرار و خاصیت ضدسم آن است. حاوی ج ۱۷۰/۱۰، ۵۹/۲۰.

ابهل: از ویژگی‌های ابهل ازبین بردن جنین، خشک کردن زخم‌ها، روان کردن خون قاعدگی و پیشاب است. حاوی ۲۳/۲۰.

اترج: مغز ترش آن در شکم‌روش موثر است. ۱۹۰/۶.

ادمغه العصافیر: خوردن آن همراه با زنجبیل، پیاز تازه و دارلفل، منی را زیاد و محرک آلت تناسلی مرد است. ۳۱۸/۱۰.

اسقیل: برای گزیدگی خزندگان، سرفه و آسم سودمند است. ۱۱۶/۲۰، ۱۲۵/۱۹.

۳-۶. کاربا: (به‌زبان پهلوی به فارسی کهربا)، زرین درخت، هزار جسان.

کلیه‌ی اسامی فوق فارسی هستند. ۵ گیاه اول را یونانی‌ها و رومی‌های ساکن منطقه‌ی بین‌النهرین نمی شناخته‌اند، ولی هزارجسان یا هزارچشان را می شناخته‌اند. به یونانی Amplos Leuke به رومی Ophiostophle و به سریانی فاشرا و فاشرا می‌نامیده‌اند. دیوسکوریدس می‌نویسد بعضی آنرا فاشرا می‌نامند (۹) و در کلیه‌ی کتب سنتی ذیل فاشرا شرح داده شده است. (دایره‌المعارف طب سنتی جلد اول کد ۱۰۳۱).

با توجه به مراتب فوق بدیغورس فردی ایرانی بوده و آثار وی نیز به‌زبان فارسی بوده که به عربی ترجمه شده است و این سخن که وی فردی سریانی بوده و کتاب وی را از زبان سریانی به عربی ترجمه کرده‌اند، کاملاً بی‌اساس است. نکته‌ی جالب این‌که رازی ذیل هزارجسان، هزارچشان (به معنی هزارگز) می‌نویسد: همان فاشرا می‌باشد. بدیغورس می‌گوید که خاصیت وی رقیق‌کننده و تلطیف‌کننده است و قلهمان (پزشک ایرانی) می‌گوید در درجه‌ی دوّم گرم و خشک است (۲۷۲/۲۱) و ذیل فاشرا از دیوسکورید، جالینوس و بولس نقل قول می‌کند (۲۲۲/۲۱) (۳) و به‌این ترتیب پزشکان یونانی و ایرانی را از یکدیگر تفکیک می‌کند.

۳. تعیین زمان زیست بدیغورس

منقولات:

طراثیت، بدیغورس قال بولس (حاوی ۱۹۳/۶) (۳).

مغاث، روفس و بدیغورس (۲۵۵/۶) (۳).

سذاب، بدیغورس (قال) دیوسکوریدس، (۴۳۹/۳) (۳).

لذا بدیغورس پس از دیوسکوریدس (۵۶ م.)، روفس (۱۱۰ م.) و بولس (نیمه‌ی اول سده‌ی هفتم م.) می‌زیسته است.

بدیغورس علاوه بر گیاهانی که قبلاً ذکر شد و محل رویش آن‌ها ایران می‌باشد از گیاهانی نام می‌برد که یونانی‌ها و رومی‌ها نمی شناخته‌اند مانند، اصابع صفر، تانبول، زرنباد، فوفل، املیج، سادزوان، بلادرصغیر (۱۰)، فیلزهرج و ... در مقابل گیاهانی نظیر کافور، ترنجبین، قافله، تمره‌ندی، برنگ کابلی که ابوجریج راهب و ماسرجویه و پزشکان بعد از آن‌ها

- اشق: از ویژگی‌های آن از بین بردن جنین است. ۱۴۸/۹.
- اصابع صفر: برای جنون و فضولات غلیظ سودمند است. ۱۴/۲۰.
- افستین: از داروهای گرم‌کننده‌ی مقوی معده، اشتهاآور، هضم‌کننده، جداکننده‌ی فضولات از معده و گشاینده‌ی انسدادها است. ۹۹/۵، ۱۲۲/۲۰.
- اقاقیا: برای آماس‌های گرم سودمند است. ۲۷/۲۰.
- اکلیل الملک: از نظر سردی و گرمی معتدل و از خواص آن، ذوب کردن فضولات و مواد اضافی است. ۱۲۶/۲۰.
- امبرباریس: برای آماس‌های گرم سودمند است. ۶۱/۲۰.
- املج: معده را تقویت و مانع فساد آن می‌شود و اشقیل (عصل) به آن کمک می‌کند. ۹۸/۵، ۶۴/۲۰.
- انارغیون: تناول کردن یک درخم از برگ آن با میبختج (آب انگور که دوسوم آن در اثر حرارت از بین رفته باشد) خارج‌کننده‌ی جنین و مشیمه و آویختن آن بر زنان حامله که وضع حمل آنان دشوار است، زایمان را آسان می‌کند. ۱۴۸/۹.
- انافع: نوشیدن آن از باردار شدن جلوگیری می‌کند. ۱۴۸/۹.
- انجره: تحریک‌کننده‌ی باه است. ۷۷/۲۰.
- اندهیمان: برای درمان شکم‌روش بسیار سودمند است. ۴۴/۲۰.
- انیسون: پادزهر سموم و گزیدگی خزندگان است. ۱۲۵/۱۹.
- بادآورد: تحلیل‌برنده، ذوب‌کننده و از بین‌برنده‌ی تب حاد است. ۱۴۸/۲۰ و ۵۶/۱۴.
- بخور مریم: عصاره‌ی بخور مریم و فلفلمویه درد نقرس را آرام می‌کند. ۲۰۰/۱۱.
- بدسکان: رقیق‌کننده و لطیف‌کننده است. ۱۳۲/۲۰.
- بردی: سوزاننده شده‌ی آن خون‌ریزی را قطع می‌کند. ۱۷۲/۲۰.
- برنجاسف: سردرد ناشی از آفتاب‌زدگی را آرام می‌کند. ۱۶۰/۱.
- بسفایج: بسفایج، مازریون و يتوعات (گیاهان شیرابه‌دار)، خارج‌کننده‌ی سودا هستند. ۱۴۰/۱.
- بلاذر: خاصیت آن از بین بردن فراموشی و صاف کردن ذهن است. ۱۳۳/۲۰.
- بلسان: روغن آن از طریق واژن، جنین و مشیمه را خارج می‌کند. ۱۴۹/۹.
- بورق: پاک‌کننده و قطعه‌قطعه‌کننده‌ی اخلاط است. ۱۳۶/۲۰.
- تامول (تانبول): تقویت‌کننده‌ی دهانه‌ی معده است. ۱۸۸/۲۰.
- توت ترش (شاتوت): زیادکننده‌ی اشتها است، به‌ویژه برای معده‌های گرم. ۱۰۲/۵.
- جنطیانا: برای آماس کبد سودمند است. ۹۰/۷.
- حاشا: قاعده‌آور، مدر و پاک‌کننده‌ی معده است. ۳۲۵/۲۰.
- حب بلسان: پاک‌کننده‌ی مغز است، هم‌چنین به بینی کشیدن آب پیاز، جنبدادستر، کندس و ریشه‌ی کرفس بری مغز را پاک می‌کنند. ۱۶۰/۱.
- حضض: برای آماس‌های نرم و سست، مواضع بادکرده و متورم بدن و چشم سودمند است و خونریزی را قطع می‌کند. ۳۱۷/۲۰.
- حماما: مانند وج ضدنفخ، پاک‌کننده‌ی معده، مقوی کبد و ضماد مخلوط آن با زبیب در آماس کبد سودمند است. ۱۰۳/۵، ۹۱/۷، ۲۹۹/۲۰.
- حنظل: بلغم را اسهال نموده و برای سیاتیک موثر است. ۳۴۱/۲۰، ۱۳۹/۶.
- خربق سفید: فضولات چسبناک و مخاطی را خارج می‌کند. ۴۴۰/۲۰.
- خردل سفید: آماس سفت را ذوب می‌کند. ۳۸۵/۲۰.
- خروع (کرچک): روغن آن گرم‌تر و لطیف‌تر و دانه‌ی آن رقیق‌کننده، لطیف‌کننده، مقوی اعضاء و جداکننده و قطعه‌قطعه‌کننده‌ی فضولات است. ۳۸۱/۲۰.
- خشخاش: نوشیدن ریشه‌ی پخته شده‌ی آن با آب که نصف آب آن تبخیر شده باشد درد کبد را آرام می‌کند و برای اشخاصی که پیشاب آن‌ها غلیظ و شبیه تار عنکبوت است بسیار سودمند می‌باشد. ۹۴/۷۰.
- خطمی: برای حمره و صفرا سودمند است. ۴۰۰/۲۰.
- خثی: خوردن گل و میوه‌ی آن با شراب خاصیت مسهل شکم دارد. ۷۴/۶.
- خیار شنبز: مسهل صفرا و تحلیل‌برنده‌ی آن است. ۴۴۰/۲۰.
- رازیانه: گشاینده‌ی رگ‌های بسته شده‌ی کبد است. ۹۳/۷.

- راسن: برای نفخ خوب است. ۱۶۱/۸.
- راوند صینی: برای ضعف قلب، معده و کبد سودمند است. ۵۲۵/۲۰.
- ریثا: برای معده خوب و خشک کننده‌ی رطوبت آن می‌باشد، به‌ویژه اگر با صعتر، شونیز، زیبیب، کرفس و سذاب خورده شود. ۱۰۲/۵.
- زراوند طویل: برای آماس کبد سودمند است ۹۰/۷، ضدنفخ و ذوب کننده‌ی هرچه در کبد است. ۵۹۱/۲۰.
- زرنباد: بدیغورس، مسیح، ابن‌ماسویه، ماسویه، ماسرجویه، خوز، قاطبه: در نفخ به‌ویژه نفخ رحم سودمند و در این مورد، بهترین داروست ۲۶/۹ برای گزش خزندگان سودمند است. ۵۹۴/۲۰.
- زرین درخت: برای گزش خزندگان، سختی دفع ادرار و سیاتیک سودمند است. ۵۹۴/۲۰.
- زفت: ویژگی آن خشک کردن است. ۱۸۲/۲۰.
- زیت: (روغن زیتون) گرم شده‌ی آن برای نقرس و درد مفاصل سودمند است. ۲۰۰/۱۱.
- زیتون بری: صمغ آن گزنده‌ی زبان و بازکننده‌ی خون قاعدگی است. ۱۷۴/۹.
- ساذروان، سادوران: مو را تقویت می‌کند ۴۷/۲۱، ۲۳ قسمت اول. ۳۲۵.
- ساسالیوس: زیادکننده‌ی پیشاب، قاعدآور و برای صرع سودمند است. ۲۷/۲۱.
- سک: (ترکیب دارویی است) زیادکننده‌ی شهوت جنسی، مقاربت و گشاینده‌ی گیر مجاری و تحلیل برنده است. ۴۴/۲۱.
- سکبینج: ضدنفخ، ذوب کننده و تحلیل برنده است. ۸۰/۲۱.
- سمسم (کنجد): شستشوی سر با افشروی برگ آن مو را نرم و دراز می‌کند. ۲۳ قسم اول ص ۳۲۵.
- سندروس: بندآورنده‌ی خونریزی و برای نزله‌ها سودمند است. ۷/۲۱.
- سورنجان: برای درد مفاصل مفید است. ۳۹/۲۱.
- سوس (شیرین بیان): برای سرفه و سینه سودمند است.
- ۷۰/۲۱.
- سوسن آسمانجونی: برای خیز عمومی انساج سودمند است. ۲۳۸/۷.
- صمغ عربی: ازبین برنده‌ی خشونت سینه و بندآورنده‌ی شکم می‌باشد. ۱۴۸/۲۱.
- طباشیر: در گرمی و صفرا سودمند است. ۱۶۲/۲۱.
- طرائث: طرائث و طین ارمنی، اسهال را بند می‌آورد. ۱۹۳/۶.
- طین مختوم: و طینی که به کوکب ساموس معروف است، بندآورنده‌ی خونریزی می‌باشد. ۵۵/۴.
- علک البطم: از ویژگی آن ذوب کردن و تحلیل بردن مواد سینه است. ۳۰۳/۲۰.
- غاریقون: ویژگی آن اسهال بلغم غلیظ و سودا می‌باشد. ۲۰۱/۲۱.
- غافث: لطیف و پاک کننده بدون گرمی آشکار و از ویژگی آن سودمند بودن آن در انسدادها است، کبد را تقویت و گیرهای آن را باز می‌کند. ۹۴/۷، ۲۰۹/۲۱.
- غرب: از ویژگی آن خارج کردن زالو از حلق و التیام بخشیدن زخم‌های تازه و خون‌آلود است. ۲۱۲/۲۱.
- فریون: برای زرداب سودمند است. ۲۹۳/۷، ۲۳۰/۲۱.
- فسطارون: از ویژگی آن، سودمند بودن برای فضولات غلیظ و نقرس است. ۲۱۵/۲۱.
- فلفلمویه: ویژگی آن، سودمند بودن برای قولنج سرد است هم‌چنین اگر صدف را با استخوانش کوبیده و با کمی مری تناول نمایند، قولنج را برطرف می‌سازد. ۱۷۹/۸.
- فودنج: هنگامی که با انجیر خورده شود برای استسقا سودمند است. ۲۳۹/۷.
- فوفل: برای آماس‌های گرم و غلیظ سودمند است. ۲۲۹/۲۱.
- فوه‌الصیغ: پاک کننده‌ی طحال، کبد، زیادکننده‌ی پیشاب و خون قاعدگی است. ۲۵۷/۲۱.
- فیلزهرج: تقویت کننده‌ی مو می‌باشد. ۲۳۲/۲۱، ۲۳ قسم اول ۳۲۵.
- قانهخون: برای ریزش‌ها و خونریزی سودمند است. ۳۰۱/۲۱.
- قناء الحمار: چنانچه در اثر تناول زیاد آن استفراغ پدیدآمد،

و سرطان داخل گلوست. حاوی چاپ دکن ۴۳۴/۳.
مازریون: مانند سایر يتوعات (گياهان لاتكس دار) مسهل سودا و زرداب است. حاوی چاپ بيروت ۲۴۰/۲۱.
مامیثا: برای آماس های گرم و غلیظ سودمند است. حاوی چاپ بيروت ۲۱۲/۲۱.
مر: تحلیل برنده و بازکننده ی گیر رگ ها می باشد. الحاوی چاپ بيروت ۲۱۲/۲۱.
مصطکی: از بین برنده ی بلغم و تقویت کننده ی معده است. حاوی چاپ بيروت ۲۰۶/۲۱.
مغاث: خاصیت آن زیادکردن منی، فربه کردن و شادمان کردن می باشد. به نظر من (رازی) اشتباهی رخ داده است و به جای "نعمت" شادمان کردن باید "لعبه" بی عقل کردن باشد. حاوی چاپ هند ۲۴۹/۶، چاپ بيروت ۲۳۶/۲۱.
مقل الیهود: قاعده آور، مدر و محلل است. حاوی چاپ بيروت ۳۰۸/۲۱.
میویزج: ویژگی آن قطعه قطعه کردن و تحلیل بردن است. چاپ بيروت ۲۱۹/۲۱.
وج: ضدنفخ، پاک کننده ی معده و تقویت کننده ی معده است. ۱۰۳/۵ چاپ بيروت ۲۶۵/۲۱.
هزار جسان، هزار جشان: رقیق کننده و لطیف کننده است. حاوی چاپ بيروت ۲۷۲/۲۱.
هللیج، هللیله: صفرا را اسهال می نماید. حاوی چاپ بيروت ۲۷۱/۲۱.
هیوفاریقون: خاصیت آن فرود آوردن خون قاعدگی، ذوب کردن و تحلیل بردن است. ۱۷۴/۹، چاپ بيروت ۲۷۳/۲۱.
توضیح: چون جلد ۲۱ حاوی چاپ هند که در اختیار دارم فاقد حرف "ل" الی آخر می باشد، لذا از الحاوی چاپ بيروت استفاده شده و در متن، چاپ بيروت ذکر شده است.
ب - رساله فی ابدال الادویه المفرده والاشجار والصموغ والطين
 رازی در کتاب الابدال، ابدال الادویه المستعمله فی الطب و العلاج و ابن بیطار در الجامع المفردات الادویه و الاغذیه، بدون ذکر نام کتاب، نقل قول هایی از بدیغورس درباره ی ابدال

خوردن شراب و روغن زیتون سودمند است. اگر تسکین نیافت از آب سرد با آرد جو و فاکهه (میوه های شیرین مانند انگور، خرما و حلوا) استفاده نماید. ۲۲۱/۵.
قسط: محرک باه است و اگر با غسل خورده شود میل جنسی را تشدید می کند. ۳۱۸/۱۰.
قصب نبطی: خاصیت آن خارج نمودن خار و براده ی آهن است. ۲۶۷/۲۱.
قفر: برای اسهال مزمن مفید است ۱۹۶/۶، قفر یهودی تحلیل برنده است. ۲۷۵/۲۱.
کاربیا: خونریزی را در هر نقطه ای از بدن باشد متوقف می سازد. ۳۱۳/۲۰.
کتیت: ضدانسداد، مدر و قاعده آور است. ۳۷۰/۲۱.
کروان: گیاهی نشاط آور است (ابوریحان به نقل از بدیغورس) صیدنه ی عربی زر یاب ص ۵۳۲.
کروگردهن: خاصیت آن سودمند بودن برای فلج و دردهای عصبی می باشد. ۳۵۰/۲۱.
کماذریوس: فضولات را قطعه قطعه و طحال را ذوب می نماید. ۳۷۶/۲۱.
کمافیطوس: بازکننده ی مجاری، قاعده آور و مدر است. ۳۷۰/۲۱.
کندس: ویژگی آن دفع سودا، از بین بردن بلغم و مره سودای غلیظ و تحلیل بردن بادها از اندرون بینی می باشد. ۱۴۱/۱ جامع المفردات ج ۴ ص ۸۶.
گاوزبان: برای قلب و رفع غم و اندوه خوب است و گمان می رود، چنانچه لسان الثور را با شراب مخلوط و بنوشند، باعث ایجاد نشاط می شود. ۳۷/۷.
گشت برگشت: خاصیت آن قطع شهوت و نزدیکی جنسی است. ۳۶۰/۲۱.
لسان الحمل: ریشه و برگ آن برای درمان گیر رگ های کبد مصرف می شود و اثر میوه در این مورد بیشتر است. ۹۱/۷.
لسان العصافیر: خاصیت آن افزایش شهوت مقاربت است. الحاوی چاپ بيروت ۲۰۰/۲۱.
لوف: عصاره گره های اطراف لوف از بین برنده ی گوشت زاید

- بدل=جانشین) به شرح زیر نموده اند:
- بدل اسارون، (در صورت عدم دسترسی به اسارون) جانشین آن ۱/۵ برابر وزن آن وج و یک ششم وزن آن حماما است (جامع المفردات ۲۳/۱) (۶)، رازی مقدار حماما را به یک سوم وزن اسارون، افزایش داده است (ص ۱۹) (۴).
- بدل اصابع صفر، بدل آن برای درمان جنون ۱/۵ برابر وزن آن هزار جسان و ثلث وزن آن سعد است (۳۹/۱) (۶)، ص ۱۹ (۴).
- بدل انداهیمان یا انداسیمان، بدل آن به همان وزن قشور رمان و نصف وزن آن صندل سفید است (۶۲/۱) (۶).
- بدل بلادر، بدل آن ← الابدال ص ۲۰ (۴)، جامع مفردات ۱۱۳/۱ (۶).
- بدل بلوط جفت البلوط ← جامع ۱۱۱/۱ (۶).
- بدل بوق ← جامع ۱۲۶-۱۲۵/۱ (۶).
- بدل حب البان ← ابدال ص ۲۵ (۴) و الجامع ۷۹/۱-۸۰ (۶).
- بدل دارشیشعان ← جامع ۸۵/۲ (۶).
- بدل دهن بلسان ← ابدال ۲۲/ (۴)، جامع ۱۰۹/۱ (۶).
- بدل طالیسفر ← جامع ۹۵/۳ (۶).
- بدل فاوانیا ← الابدال ۳۰ (۴).
- بدل فوه ← الجامع ۱۶۹/۳ (۶).
- بدل کماذریوس ← جامع ۸۱/۴ (۶).
- بدل هیوفاریقون ← جامع ۲۰۰/۴-۲۰۱ (۶).

منابع

۱. اعلم، هوشنگ: جستارهایی در تاریخ علوم دوره اسلامی. مقالات چاپ شده در دانشنامه‌ی جهان اسلام. ج. اول تا پنجم. بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران، ص: ۱۲۷، ۱۳۸۱.
۲. سزگین، فواد. تاریخ نگارش‌های عربی. ترجمه‌ی موسسه‌ی نشر فهرستگان. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ص: ۴۷-۴۵، ۱۳۸۰.
۳. زکریای رازی، ابی بکر محمد بن: الحاوی الکبیر فی الطب. چاپ حیدر آباد دکن، جزء الاول، طبعه الثاني ۱۹۷۴م، جزء الثالث ۱۹۵۷م، جزء الرابع ۱۹۵۷م، جزء الخامس ۱۹۵۷م، جزء السادس ۱۹۵۸م، جزء السابع ۱۹۵۸م، جزء الثامن ۱۹۵۸م، جزء التاسع ۱۹۶۰م، جزء العاشر ۱۹۶۱م، جزء الحادی عشر ۱۹۶۲م، جزء الرابع عشر ۱۹۶۳م، جزء التاسع عشر ۱۹۶۶م، جزء العشرون ۱۹۶۷م، جزء الحادی والعشرون (قسم اول) ۱۹۶۶م، جزء الثالث والعشرون (القسم الاول) ۱۹۶۶م. ایضاً، الحاوی فی الطب، دارالکتب العلمیه بیروت، المجلد السابع، جزء الحادی والعشرون فی الادویه المفردة ۱۴۲۱ ه ق - ۲۰۰۰ م. توضیح: شماره صفحات در متن مقاله وارد شده است.
۴. زکریای رازی، ابی بکر محمد بن: کتاب الابدال: الابدال الادویه المستعمله فی الطب والعلاج. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بهداشتی ایران، موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، صص: ۲۰-۱۹، ۲۲، ۲۵، ۳۰، ۱۳۸۳.
۵. بیرونی، ابی الریحان محمد بن احمد: صیدنة فی الطب. به تصحیح: زریاب، عباس. چاپ اول. مرکز نشر دانشگاهی تهران، ص: ۵۳۲، ۱۳۷۰.
۶. ابن البیطار، ضیاء الدین عبدالله بن احمد الاندلسی المالقی: الجامع فی الادویه المفردة. ج. ۴-۱. مصر، صص: ۲۳، ۳۹، ۶۲، ۱۱۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۵-۱۲۶، ۷۹-۸۰، ۸۵، ۹۵، ۱۶۹، ۸۱، ۲۰۰-۲۰۱.
۷. عریان، سعید: واژه‌نامه‌ی پهلوی، پازند (فرهنگ پهلوی). پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، صص: ۱۰۸، ۱۵۷، ۱۳۷۷.
۸. فره‌وشی، بهرام: فرهنگ پهلوی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص: ۱۷۳، ۵۱۹، ۱۳۵۲.
۹. دیسقوریوس: المقالات السبع من کتاب دیسقوریوس. ترجمه‌ی اصطفی بن بسیل و اصلاح حنین. تطوان، ص: ۳۶۸، ۱۹۵۲.
۱۰. بهار، مهرداد: واژه‌نامه‌ی بندش. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ص: ۱۰۱، ۱۳۴۵.